

Presenting a Model for the Aesthetic Education of Students in Elementary School

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Atiyeh Kordloo¹
Nadergholi Ghourchian^{2*}
Kamran Mohammadkhani³
Akhtar Jamali⁴

How to cite this article

Atiyeh Kordloo, Nadergholi Ghourchian, Kamran Mohammadkhani, Akhtar Jamali, Presenting a Model for the Aesthetic Education of Students in Elementary School, *Islamic Life Style*. 2023; 6(4):138-148

1. PhD student, Department of Educational Management, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Full Professor, Department of Educational Management, Research and Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Educational Management, Research and Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Research and Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: naghourchian@gmail.com

Article History

Received: 2022/10/07
Accepted: 2022/12/19

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this research is to provide a model for aesthetic education in elementary school.

Materials and Methods: The current research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of the nature and method of data collection. And it is specifically based on structural equation modeling. The statistical population of the research was 5320 people of all primary school teachers in Tehran, and according to Cochran's formula, 328 people were selected as a sample and sampling was done by cluster method. The collection tool in the current research is a researcher-made questionnaire. In order to analyze the data, structural equation technique was used using PLS statistical software and SPSS statistical software.

Findings: For the overall fit of the model from the test (GOF) by confirming its fit and according to the research results, the obtained number is equal to 0.29, as a result, the model has an average fit.

Conclusion: Also, the results of the analysis of the opinions of experts, experts and experts indicate that the model has the ability to be implemented for aesthetic education in elementary school.

Keywords: Aesthetic Education, Primary School Students, Teaching Models

مقطع ابتدایی

عطیه کردلو^۱

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نادر قلی قورچیان^{۲*}

استاد تمام، گروه مدیریت آموزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

کامران محمدخانی^۳

دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اختر جمالی^۴

استادیار، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی ارائه مدلی برای پرورش زیباشناختی در مقطع ابتدایی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی - پیمایشی؛ و به طور مشخص مبتنی بر مدلیابی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه معلمان مدارس ابتدایی شهر تهران تعداد ۵۳۲۰ نفر بود که طبق فرمول کوکران ۳۲۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انجام شد. ابزار گردآوری در پژوهش حاضر پرسشنامه ساخته محقق می‌باشد. به منظور تحلیل داده‌ها از تکنیک معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار آماری PLS و نیز نرم افزار آماری SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: برای برازش کلی مدل از آزمون (GOF) با تأیید برازش آن و با توجه به نتایج پژوهش عدد بدست آمده برابر با ۰/۲۹، در نتیجه، مدل از برازش متوسطی برخوردار است.

نتیجه‌گیری: همچنین نتایج تحلیل نظرات کارشناسان، صاحب‌نظران و متخصصان حاکی از آن است که مدل قابلیت اجرا برای پرورش زیباشناختی در مقطع ابتدایی را دارا می‌باشد.

کلمات کلیدی: پرورش زیباشناختی، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، الگوهای تدریس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

*نویسنده مسئول: naghourchian@gmail.com

مقدمه

ارتقا و تقویت سلامت روان و بهزیستی روان‌شناختی موضوعات و دغدغه‌های رو به رشد جهانی در سال‌های اخیر بوده‌اند یکی از قشرهایی که پرورش روان‌شناختی آنان در معرض خطر است، دانش‌آموزان نوجوان^۱ هستند. نوجوانان در خطر مشکلات رفتاری و هیجانی جدی هستند. در این دوره، مسائل و مشکلات مختلفی از جمله خود آسیب‌رسانی، خودکشی، نقص در تنظیم هیجان و انواع سوءاستفاده وجود دارد که می‌توانند نوجوانان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و حتی حیات آنان را به خطر بیندازند و یا تأثیر منفی بلندمدتی بر روی بهزیستی روان‌شناختی آنان در بزرگسالی داشته باشند (۱). سالیانه مسابقات مختلفی در سطوح و پایه‌های متفاوت از طرف ارگان آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان در رشته‌های هنری، ورزشی، فرهنگی، اجتماعی و ... در نظر گرفته می‌شود، لذا آشنایی اولیای دانش‌آموز از کمیت و کیفیت اجرای این مسابقات می‌تواند نقش بسزایی در حمایت فرزندانشان و پیشرفت رشد فکری و معنوی آنان داشته باشد. یکی از شاخص‌ترین عوامل دستیابی به زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان، اجرای مسابقات فرهنگی هنری است. این مهم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان که در راستای دستیابی به آن، برنامه‌های متعددی در آموزش و پرورش اجرا می‌نماید تبیین شده است. و یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها، مسابقات فرهنگی هنری برای دانش‌آموزان در نظر گرفته است. گروهی از محققان همچون ماکسین گرین^۲ (۲) بیان می‌دارند که منظور از آموزش زیبایی‌شناختی، «توانا ساختن کودکان و نوجوانان به بیان ادراکات، احساسات و ایده‌های خود از راه شکل‌دهی تأملی رسانه‌هایی، نظیر نقاشی، سفال، نگارش، موسیقی و حرکات بدنی است». سیکس^۳ نیز بیان می‌دارد همه دانش‌آموزان باید زبان هنر را بیاموزند تا به زندگی‌شان معنا دهند. انتظار بر آن است که دانش‌آموزان بتوانند تجارب انسانی را به بیان هنری تبدیل کنند، از محصول هنری خود و دیگران به‌منظور ساخت معنا بهره‌جویند و دریافتی آگاهانه از هنرها را پی‌ریزی کنند. آموزش زیبایی‌شناختی در کنار پرورش ادراک و حساسیت هنر، به پرورش برخی ویژگی‌های شخصیتی معینی، نظیر خلاقیت، تخیل، اعتمادبه‌نفس، پشتکار و روح نقاد می‌پردازد. از این‌رو معلمان نیز می‌توانند نقش بسزایی در روحیه و حس زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان هم‌سهم باشند.

هنر درسی است از حیث مضمون و دشواری، هم‌تراز با سایر علوم؛ لیکن چون نتیجه عینی و آشکاری مانند آموزش خواندن و نوشتن نداشته است، مورد سطحی‌نگری واقع شده و بی‌برنامه رها شده است (۳). تربیت هنری باید طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که با گذشت زمان، دانش‌آموزان مستقل شوند و وابستگی آن‌ها به معلمان و نهادهای آموزشی کاهش یابد. آن‌ها باید بتوانند خود، فرایند فعالیت هنری را طی کرده و محصول هنری موردنظر را تولید کنند (۴). در قرن نوزدهم، آموزش‌های مقدماتی موسیقی و نقاشی در مدارس ابتدایی دولتی اروپا نهادینه شد و از اوایل قرن بیستم، جنبش پیشرفت گرایان، به‌عنوان جنبش هنر و کاردستی، با الهام گرفتن از موریس و راسکین در واکنش

3. Ciciss

1. Adolescent students

2. Maksin Gereene

اهداف و ویژگی‌های متمایزکننده هنر مطرح می‌کند که این امر زمینه‌ساز ارزش‌گذاری و قدرشناسی آثار و پدیده‌های هنری توسط دانش‌آموزان است. در واقع، آنچه تحت عنوان پاسخ و زیبایی‌شناختی نامیده می‌شود به‌عنوان یک ویژگی یا صفت مطرح است که حاصل تکریم، ترجیح و رویکرد ارزش‌گذارانه نسبت به آثار هنری است. ایجاد و رشد این تجربه زیبایی‌شناسی تا حدود زیادی، حاصل تعامل و مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مربوط به تولید هنری، نقادی هنر و تاریخ هنر خواهد بود (۷).

پیرامون مبنای نظری پژوهش‌ها و مدل‌هایی برای پرورش زیبایی‌شناختی می‌توان نام برد؛ در این میان به دیدگاه تربیت هنری دیسپلین محور^۵ می‌توان اشاره کرد. این دیدگاه که در سال ۱۹۸۲ مطرح شد، متأثر از نظریه برونر، بر ساختار شناختی و ترکیب دانش تأکید داشته و چهار بعد تولید هنری، زیبایی‌شناختی، تاریخ هنر و نقد هنری را مورد توجه قرار می‌دهد (۱۱). این رویکرد در درجه اول در پی احراز هویت دیسپلینی برای برنامه درسی هنر است و به‌زعم بسیاری از متخصصان حوزه تربیت هنری از آن به‌عنوان رویکردی جامع یاد می‌شود (۳). توسعه مفهوم زیبایی‌شناسی، توسعه ادراک زیبایی‌شناسانه، تجربه، ایجاد، ارزشیابی و بیان زیبایی، توسعه روابط به سمت طبیعت و به سمت زیبایی در روابط بین فردی است. تعلیم و تربیت نوین به ما می‌آموزد که هر دانش‌آموز باید فرصت توسعه توانایی مشاهده کردن، تجربه کردن، خلق کردن و ارزشیابی آنچه را که زیبا است، داشته باشد (۱۲). می‌توان مهم‌ترین اهداف تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی را در موارد زیر خلاصه نمود: (۱) توانایی درک ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه، (۲) توانایی تجربه ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه، (۳) قابلیت‌های خلاقانه و (۴) قضاوت‌های زیبایی‌شناختی یا توانایی ارزشیابی کیفیت زیبایی (۱۳).

پرورش زیباشناختی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا سبک‌ها و روش دانش مربوط را به‌خوبی درک کنند و بتوانند از آن‌ها در سایر حوزه‌های زندگی خویش یاری بگیرند. آنچه پرورش زیباشناختی با خود به همراه دارد، در نظام آموزش و پرورش ستودنی است و می‌تواند در توسعه نظام مدرسه‌ای و رشد شایسته کودکان مؤثر باشد. پرورش زیباشناختی می‌تواند آثار و نتایجی را خلق کند که در کمتر حوزه‌ای از برنامه درسی بتوان آن را جستجو کرد. همچنین در ابعاد و جنبه‌های مختلف فردی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و ارزشی قابل تأمل و دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد است که می‌توان از آن‌ها در حوزه‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت یاری گرفت (۱۴). گرین (۲) نیز به سه دلیل اصلی و کلیدی تربیت زیبایی‌شناسی را در دوره معاصر مهم می‌داند: (۱) بازنمودن فضاهای ذهنی^۲، (۲) هوشیاری گسترده^۳ و (۳) کشف اهمیت تخیل^۴ (۱۵).

در راستای اهمیت پرورش زیباشناختی می‌توان به نتایج چندین مطالعه اشاره کرد. به‌عنوان مثال، اسدیان و عزیز (۱۳) عنوان کردند، هراندازه عناصر و مؤلفه‌های تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی

به گرایش‌های افراطی به منطقی‌گرایی و عقل‌گرایی، بر اهمیت زیبایی‌شناسی تأکید نمود. در دهه ۱۹۵۰ سازمان‌های بین‌المللی نقش مهمی در فرایند نهادینه کردن موضوعات درسی زیبایی‌شناسانه پیشرفته در برنامه‌های درسی رسمی مدرسه ایفا کرده‌اند. به‌طور خاص، یونسکو در سازمان‌دهی برخی جلسات بین‌المللی و همایش‌ها کاملاً فعال بوده است: در انگلستان (۱۹۵۱) در برگزاری همایش تدریس هنرهای تجسمی؛ در پاریس (۱۹۵۱) و لاهه (۱۹۵۳) در زمینه ارتقای تئاتر و جوانان؛ و در بروکسل (۱۹۵۳) در زمینه جایگاه موسیقی در پرورش جوانان و بزرگسالان (۵)؛ بنابراین آن‌گونه که مشاهده می‌شود، نظام‌های تعلیم و تربیت همواره در جست‌وجوی راه‌هایی برای ارتقاء کیفیت و اثربخش کردن فعل‌و‌انفعالاتی هستند که تربیت و شکوفایی استعدادها را دانش‌آموزان را هدف قرار داده است. یونسکو رسالت تعلیم و تربیت را پرورش انسان پرسشگری می‌داند که می‌خواهد از قیدهای بی‌شمار و گوناگون وجود خود رها گردد، راه تکامل همه جانبه خود را هموار کند با رموز موقعیت فردی و اجتماعی خود و دنیای متغیری که در آن زندگی می‌کند تا حد ممکن آشنا شود، با دنیا و انسان‌های مرتبط شود، زندگی کند، زندگی دهد و زندگی خود را با عشق و دانش شکوفا سازد (۶).

تربیت هنری را به پنج موضوع کلی می‌توان تفکیک کرد: (۱) زیبایی‌شناسی، (۲) ارتباط با طبیعت، (۳) آشنایی با تاریخ هنر، (۴) تولید محصول هنری و (۵) نقد هنری (عزیزی، ۱۳۹۲). در این بین پرورش زیباشناختی می‌تواند این مسیر را در نظام آموزش و پرورش روشن سازد. از دیرباز زیبایی‌شناسی از جمله مسائلی است که دانشمندان حوزه‌های گوناگون علمی، از جمله فلاسفه، هنرمندان و روان‌شناسان به آن توجه کرده‌اند. آیزنر (۷) بدون آنکه زیبایی‌شناسی را در شناخت و فهم موضوع مورد یادگیری انکار کند، معتقد است در پایان آنچه نصیب یادگیرنده می‌شود، شکلی از رضایت و خشنودی است و عاملی که در این رابطه نقش مهمی دارد، علاقه و میل خود دانش‌آموز است و وظیفه معلمان و مربیان آن است که میل و رغبت را در دانش‌آموزان تقویت کنند. به نظر آیزنر^۲ (۷)، زیبایی‌شناسی موجد انرژی مورد نیاز برای دنبال کردن مکرر و پیگیرانه یک فعالیت است. در نتیجه، اگر تجربه یادگیری برای دانش‌آموز، تجربه زیباشناسانه باشد، موجب رضایت و خشنودی و بالطبع تأمین انرژی لازم برای جدیت و پشتکار او در فرایند یادگیری می‌شود (۸). پرورش زیبایی‌شناختی، پرورش تجربیات زیبایی‌شناختی است و تجربیات زیبایی‌شناختی به عنصر لذت در هر تجربه انسانی اشاره دارد. بنابراین، تمامی اشکال تعلیم و تربیت، جنبه‌های گوناگون پرورش زیبایی‌شناختی می‌توانند محسوب شوند (۹). از نظر چاپمن^۳ (۱۰) امروزه با توجه به مقتضیات تمدن جدید، پرورش زیبایی‌شناختی به‌عنوان یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی مطرح است؛ چرا که دانش‌آموزان از این طریق، چگونگی دیدن، شنیدن، حرکت کردن، برقراری ارتباط و احساس کردن را یاد می‌گیرند. زیبایی‌شناسی سؤالات اساسی را در مورد ماهیت، معنا، ارزش،

5. Opening spaces
6. Becoming wide-awake
7. Discovering the importance of imagination

1. Aesthetic
2. Eisner
3. Chapman
4. Discipline-Based Art Education (DBAE)

متقی و همکاران (۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه و استخراج کارکردهای آن در تربیت زیبایی‌شناختی (حوزه یادگیری فرهنگ و هنر)» که با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، جامعه منابع اطلاعاتی دسته اول و دوم مرتبط با موضوع تحقیق بوده را به صورت هدفمند و عمیق مطالعه و به طور مستمر مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد براساس مبانی معرفت‌شناسی حکمت متعالیه از قبیل ارتباط بین فاعل شناسا و متعلق شناخت در ایجاد و تکوین دانش، تنوع در ابزارهای کسب شناخت و وحدت در عین کثرت، فرصت‌های متنوعی برای شناخت از جمله آموزش و کسب معرفت در بافت زیبایی و هنر وجود دارد. توسعه تربیت زیبایی‌شناختی به عنوان روشی کارآمد به تأمین انگیزه درونی و طراحی تجربه مفهومی (ایجاد موقعیت‌های متنوع یادگیری)، نیل به سواد زیباشناختی و مهارت واکاوی معنا، پرورش تفکر نقاد و استکمال بعد عقلانی منجر می‌شود.

لیلیدال و راپ^۴ (۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «وضعیت آموزش زیبایی‌شناختی در برنامه درسی متمرکز اصلاح‌شده: ارزیابی مبتنی بر نظریه و محتوا در مورد اصلاح برنامه درسی کشور سوئد» نشان دادند، در حالی که مدرسان به طور کلی دوره‌های زیبایی‌شناسی را برگزار کرده‌اند، دانش‌آموزان به ندرت این نوع محتوای آموزشی را انتخاب می‌کنند. در عوض، انتخاب دانش‌آموزان با روش‌های غیرمستقیم به کارگیری صورت می‌گیرد.

اونلور و زیمبات^۵ (۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر برنامه آموزش زیبایی‌شناختی بر رشد قضاوت زیبایی‌شناختی در کودکان پنج سال» نشان دادند که برنامه آموزش زیبایی‌شناختی به طور مثبتی بر رشد قضاوت زیبایی‌شناختی کودکان پنج‌ساله مؤثر است. والیوا و همکاران^۶ (۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان «آموزش از راه دور برای توسعه حرفه‌ای آموزش - اطلاع‌رسانی زیبایی‌شناختی و یادگیری مادام‌العمر دانشجو معلمان» به تحلیل امکان یادگیری از راه دور به عنوان ابزاری ویژه، کنترلی و مدیریتی برای دستیابی به مجموعه اهداف آموزشی رویکرد موضوع محور پرداختند. استفاده از یادگیری آنلاین، محدودیت مشروط در سطح ممنوعیت تحصیل و فراهم نمود فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان بدون توجه به موقعیت مکانی، سن و وابستگی‌های اجتماعی از بین برد. این مطالعه به فعال‌سازی تکلیف آزمودنی در فرایند شخصی‌سازی محتوای یادگیری پرداخت. طیف گسترده‌ای از منابع آموزشی اجازه داد همه نیازهای آموزشی و مسیر ایجاد توسعه فردی در نظر گرفته شود. معرفی قالب یادگیری از راه دور در فرایند آموزش زیبایی‌شناختی در سیستم آموزش مداوم دانشگاه امکان اجرای اصول اساسی رویکرد موضوع محور را فراهم کرده است و بر این اساس ممکن است یک مسیر امیدوارکننده برای تحقیقات بیشتر در نظر گرفته شود.

(عناصر بصری، رنگ، موسیقی، تخیل و تصورات دانش‌آموزان، هنر، عواطف دانش‌آموزان، محیط یادگیری شاد، خلاقیت و احساس لذت از یادگیری) در فرایند تدریس تلفیق کردند، به همان نسبت نگرش دانش‌آموزان به مدرسه و مؤلفه‌های موجود در آن بهبود پیدا می‌کند. شریف‌زاده و همکاران (۸) نشان دادند، روش تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی می‌تواند به عنوان روش تدریسی فعال و مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نقش داشته باشد. لیلیدال و راپ^۱ (۱۶) نشان دادند، اگرچه مدرسان به طور کلی دوره‌های زیبایی‌شناسی را برگزار می‌کنند، دانش‌آموزان به ندرت این نوع محتوای آموزشی را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین نیاز است با اتخاذ الگوی پرورش زیباشناختی بر اهمیت آن تأکید کرد. کیشچنکو و همکاران^۲ (۱۷) در مطالعه خود نشان دادند، تدریس زیبایی‌شناسی عملکرد یادگیرندگان را بهبود می‌بخشد. استنفورد^۳ (۱۸) نیز بیان نمود پرورش زیباشناختی منجر به آموزش مؤثر می‌شود. با توجه اهمیت مطرح‌شده پیرامون پرورش زیباشناختی در نظام آموزش و پرورش، این مطالعه به ارائه مدلی برای پرورش زیباشناختی در مقطع ابتدایی پرداخته است.

نوربخش و خیرآبادی (۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی ساحت هنری و زیبایی‌شناختی کتاب ریاضی سوم ابتدایی» سه فصل از کتاب به صورت تصادفی (۱-۴-۷) با هشت مؤلفه استخراج شده از سند تحول برای شناسایی میزان انطباق و هماهنگی بودن با سند تحول را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه کمبود توجه به ساحت زیبایی‌شناختی و هنر در این کتاب به عنوان نیروی تحریک‌کننده خلاقه آدمی علی‌رغم تأکید فراوان در اسناد بالادستی بود. نتایج حاصله نشان‌دهنده فاصله معنادار کتاب تحلیل‌شده با ارزش‌ها و آرمان‌های ساحت هنری ذکر شده در سند تحول بنیادین بود که نیازمند تغییر رویکرد برنامه درسی و توجه حداکثری به این ساحت ارزشمند است.

مهربان (۱) در پژوهش خود تحت عنوان تأثیر آموزش موسیقی بر بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان پرداخته است. روش این پژوهش علی-مقایسه‌ای بود و جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان تنکابن در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود که تعداد ۱۰۰ دانش‌آموز در دو گروه هنرجوی موسیقی و عادی جای گرفتند. ابزار سنجش در این پژوهش، مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف بود. نتایج این مطالعه نشان داد میانگین رتبه‌های بهزیستی روان‌شناختی هنرجویان برابر ۷۱/۱۶ و برای غیر هنرجویان برابر ۲۹/۸۴ است و مقدار آزمون Z برابر ۷/۱۲۳ در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است؛ بنابراین، آموزش موسیقی بر بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان تأثیر داشته است ($P < 0.01$). می‌توان با گنجاندن برنامه‌های آموزش موسیقی به عنوان یک برنامه درسی مستقل، در جهت افزایش شاخص‌های سلامت روان دانش‌آموزان گام برداشت.

4. Lilliedahl, & Rapp

5. Unluer & Zembat

6. Valeeva et al

1. Lilliedahl & Rapp

2. Kiyashnhenko et al

3. Stanford

اعتبار سازه‌ای طیف‌ها، ضمن استناد به مبانی نظری پژوهش از تحلیل عاملی نیز استفاده شد و برای توصیف داده‌های جمعیت شناختی از آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه) و شاخص‌های پراکندگی (واریانس، انحراف معیار و دامنه تغییرات) و شاخص‌های توزیع مشاهدات (چولگی- کشیدگی) می‌باشد که با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و برای آزمون فرضیه‌ها از آمار استنباطی استفاده شد. برای بررسی وضعیت متغیرهای مورد مطالعه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد و در نهایت به منظور طراحی مدل نهایی پژوهش از نرم‌افزار PLS استفاده شد.

جهت گردآوری داده‌های مربوط به متغیر ساخت دهی تجربیات یادگیری از پرسشنامه ساخته محقق استفاده نموده است. شامل ۶ گویه و ۳ مؤلفه مرور کوتاهی از درس قبل (۲ گویه) مطالب جدید همراه تمرین (۲ گویه) بیان کوتاهی از اهداف هر درس (۲ گویه) می‌باشد و براساس طیف ۵ عاملی لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. جهت گردآوری داده‌های مربوط به متغیر پیشرفت در گام‌هایی کوتاه اما با آهنگی سریع از پرسشنامه ساخته محقق استفاده نموده است. شامل ۹ گویه و ۴ مؤلفه به کارگیری رفتارهای متناسب (۲ گویه) به کارگیری الگوهای تدریس (۲ گویه) برنامه ریزی تجارب یادگیری شاگردان (۲ گویه) و به کارگیری اصول تثبیت شده یادگیری (۳ گویه) می‌باشد و براساس طیف ۵ عاملی لیکرت مورد بررسی قرار گرفت.

جهت گردآوری داده‌های مربوط به متغیر ارائه بازخورد و تصحیح خطاها از پرسشنامه ساخته محقق استفاده نموده است. شامل ۶ گویه و ۳ مؤلفه بازخورد و تصحیح های منظم (۲ گویه) انجام تمرینات با دستورالعمل روشن (۲ گویه) هدایت شاگردان در انجام تمرینات (۲ گویه) می‌باشد و براساس طیف ۵ عاملی لیکرت مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

در گروه جنسیت مورد بررسی ۶۵/۵ درصد (۲۱۵ نفر) مرد و ۳۴/۵ درصد (۱۱۳ نفر) زن بودند. در گروه سنی مورد بررسی ۱۵/۲ درصد آزمودنی‌ها کمتر از ۳۰ سال، ۳۶/۹ درصد آزمودنی‌ها بین ۳۱-۴۰ سال، ۲۵/۳ درصد آزمودنی‌ها بین ۴۱-۵۰ سال و ۲۲/۶ درصد ۵۱ سال به بالا سن داشتند در گروه تحصیلات مورد بررسی ۳۰/۸ درصد لیسانس، ۴۶ درصد فوق لیسانس و ۱۵/۹ درصد دارای مدرک دکتری بودند. در گروه تأهل مورد بررسی ۲۴/۶ درصد آزمودنی‌ها مجرد و ۷۵/۴ درصد متأهل بودند. در گروه سابقه خدمت مورد بررسی ۷/۶ درصد آزمودنی‌ها بین ۱-۵ سال، ۲۱/۶ درصد آزمودنی‌ها بین ۶-۱۰ سال و ۲۵/۹ درصد آزمودنی‌ها بین ۱۱-۱۵ سال و ۱۶/۸ درصد ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳ درصد بالای ۳۰ سال به بالا سابقه خدمت داشتند.

برای بررسی وضعیت متغیرهای مورد مطالعه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد این آزمون برای متغیرهای کمی به کار می‌رود و در مواردی برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر یک متغیر در وضعیت مورد بررسی، استفاده می‌شود. به طوری که اگر میانگین هر متغیر از حد معینی بیشتر بود، آن متغیر در پدیده مورد نظر مؤثر تلقی می‌شود که نتایج حاصل در جدول ۱ بیان شد:

آموزش و تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی، به‌عنوان یک راهکار می‌تواند در برقراری مجدد هماهنگی بین جنبه‌های مختلف شخصیت دانش‌آموزان راهگشا باشد. بررسی تجارب جهانی نیز به‌نوعی مؤید اهمیت توجه به مفهوم زیبایی‌شناسی و کاربرد آن در فرایند یادگیری دانش‌آموزان است. در ۳۰ سال گذشته، تقریباً از سال ۱۹۸۵ تا امروز به‌استثنای سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹، آموزش زیبایی‌شناسی در خط‌مشی‌های آموزشی برخی از کشورها مورد توجه بوده و همواره از نقش مهم آن در قالب تصویب قوانین مختلف حمایت شده است. در نظام آموزشی هم اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که تربیت زیبایی‌شناسی در ایجاد و بارورسازی زمینه‌های سازنده‌ای مانند بروز خلاقیت و نوآوری، رشد مهارت‌های فکری و شناختی و پرورش و تعدیل عواطف و احساسات (تربیت عاطفی)، ایجاد تغییرات عمیق در سلوک فردی، رشد اخلاقی، افزایش اعتمادبه‌نفس، رشد مهارت‌های مربوط به دست ورزی تأثیر شگرف دارد، از این‌روست که در مکاتب گوناگون فکری، سیاسی و اعتقادی، هنر را به منزله وسیله‌ای کارآمد در توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان، به‌گونه‌ای متناسب با اهداف خود به کار گرفته‌اند. بنابراین در راستای هدف پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ داده خواهد شد:

- وضع موجود زیبانشناختی با توجه به شاخص‌ها در مقطع ابتدایی چگونه است؟
- چه مدلی برای پرورش زیبانشناختی در مقطع ابتدایی می‌توان ارائه نمود؟
- درجه تناسب مدل از نظر کارشناسان، صاحب‌نظران و متخصصان چگونه است؟
- سازوکارهای اجرایی برای مقطع ابتدایی کدامند؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از منظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی بوده و از آنجایی که موضوع مورد بررسی مربوط به زمان حال است و محقق به دنبال گردآوری داده‌ها و اطلاعات درباره شرایط فعلی، به شناخت بهتر و کاملتری از وضع موجود برسد، این پژوهش از نظر روش به کار رفته یک پژوهش توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه معلمان مدارس ابتدایی شهر تهران به تعداد ۵۳۲۰ نفر بود که با توجه به جامعه آماری و طبق فرمول کوکران ۳۲۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد؛ و پرسشنامه بین نمونه هدف پخش شد. از جمله روش‌های نمونه‌گیری که در برخی از موارد مناسب‌تر از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده عمل می‌کند، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. روش گردآوری داده‌ها، ترکیبی از روش میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد. داده‌های مربوط به مبانی نظری و مرور ادبیات این پژوهش از طریق مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای شامل مقالات، کتب مرتبط فارسی و انگلیسی استفاده شد. پس از بررسی مبانی نظری و مرور ادبیات و مصاحبه با متخصصان اقدام به طراحی پرسشنامه کرده و داده‌های لازم با استفاده از این ابزار گردآوری شد. جهت ارزیابی

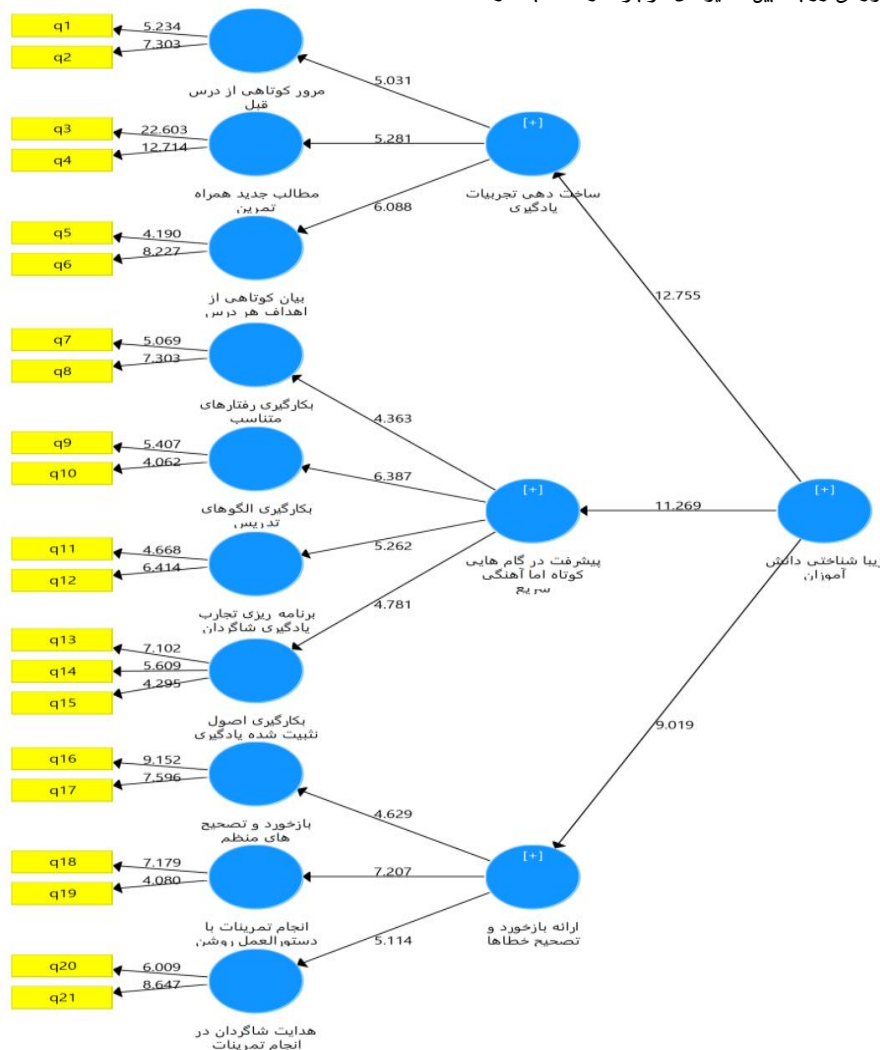
جدول ۱. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود متغیرهای مطالعه

میانگین نظری = ۳/۰

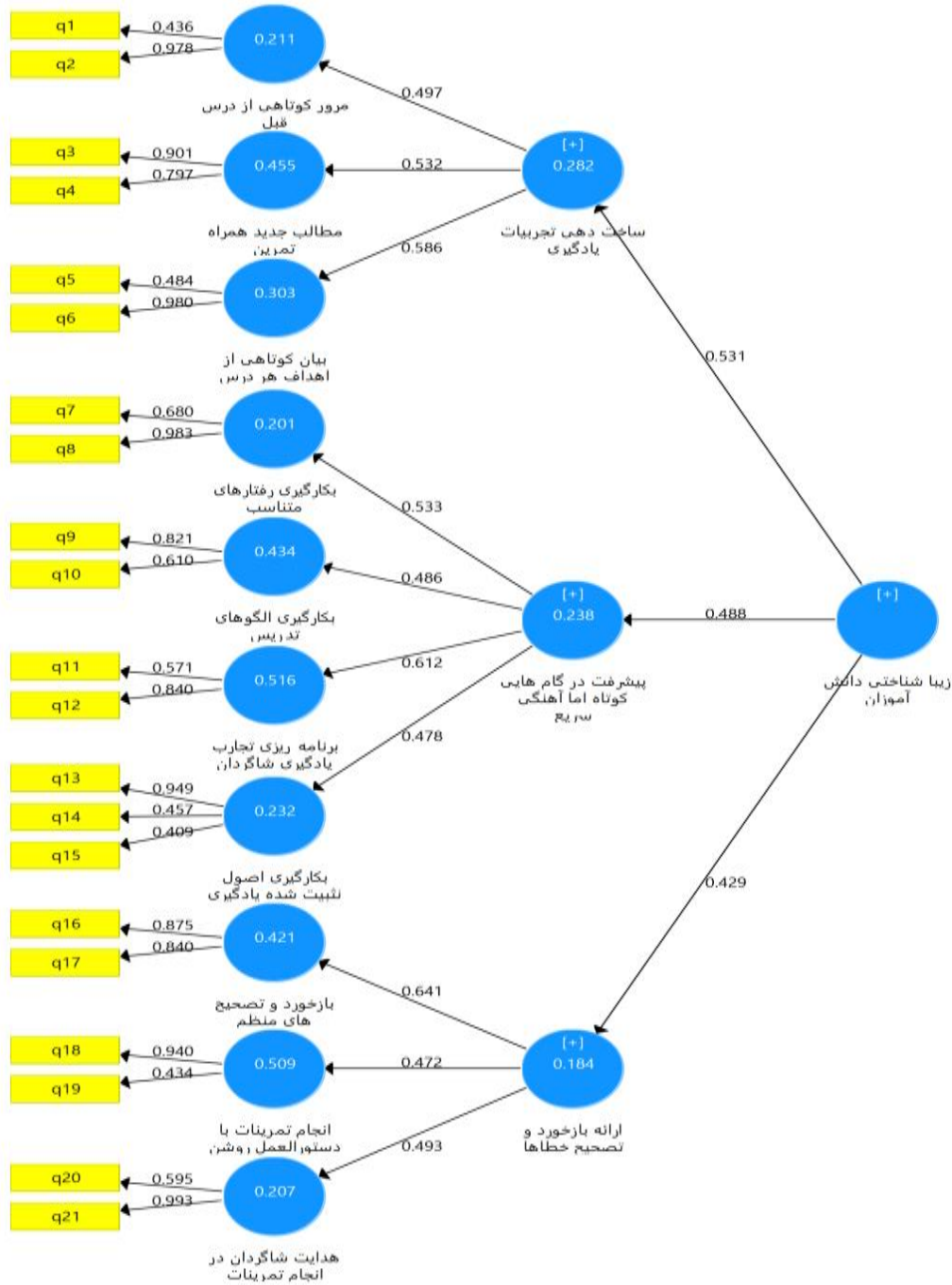
متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	P
مرور کوتاهی از درس قبل	۲/۶۰۵۸	۱/۱۵۰۱۲	۵۶/۷۷۹	۳۲۷	.
مطالب جدید همراه تمرین	۳/۴۶۳۷	۱/۳۸۳۱۲	۴۵/۳۵	۳۲۷	.
بیان کوتاهی از اهداف هر درس	۲/۲۱۳۴	۱/۲۹۸۱۵	۴۴/۸۳۱	۳۲۷	.
به کارگیری رفتارهای متناسب	۲/۴۳۹	۱/۱۷۴۱۱	۵۳/۰۴۷	۳۲۷	.
به کارگیری الگوهای تدریس	۳/۷۱۱۸	۱/۱۹۱۲۹	۵۶/۴۲۹	۳۲۷	.
برنامه‌ریزی تجارب یادگیری شاگردان	۲/۸۴۷۶	۱/۱۹۱۶۹	۵۸/۴۷۴	۳۲۷	.
به کارگیری اصول تثبیت شده یادگیری	۳/۳۷۳۴	۱/۰۵۳۶۵	۵۷/۹۸۵	۳۲۷	.
بازخورد و تصحیح‌های منظم	۳/۳۹۹۴	۱/۱۵۰۳۰	۵۳/۵۲۲	۳۲۷	.
انجام تمرینات با دستورالعمل روشن	۲/۲۵	۱/۱۵۹۳۳	۵۰/۷۷۱	۳۲۷	.
هدایت شاگردان در انجام تمرینات	۲/۵۲۷۴	۱/۲۱۳۷۸	۵۶/۶۳۳	۳۲۷	.

برازش مدل اطمینان حاصل کنیم. شکل‌های ۱ و ۲ بروندهای نرم‌افزار PLS را جهت آزمون فرضیات نمایش می‌دهند.

جهت آزمون سوالات پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزار Lisrel استفاده شده است. در این قسمت قبل از بررسی روابط بین متغیرهای موجود در مدل ابتدا از



نمودار ۱. مدل تحلیل عاملی تأییدی در حالت معناداری



نمودار ۲. مدل تحلیل عاملی تأییدی در حالت استاندارد

شده (سؤال) بهتر می‌تواند متغیر مکنون یا پنهان را تبیین نماید. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۴ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف‌نظر می‌شود. همانطور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، بار عاملی همه سؤالات بیشتر از مقدار ۰/۴ است. بنابراین این سؤالات تبیین‌کننده مناسبی برای متغیر مورد نظر هستند. مطابق جدول ۲ شاخص‌های برازش مؤید مدل در سطح اطمینان ۹۰ درصد بودند.

در حالت معنی‌داری باید ارزش t بیشتر از مقدار ۱/۹۶ باشد تا رابطه بین هر سؤال و متغیر مورد نظر معنی‌دار باشد. در نمودار ۱ از آنجایی که ارزش t برای همه سؤالات بیشتر از مقدار ۱/۹۶ شده است. بنابراین رابطه بین سؤالات و متغیر مورد نظر معنی‌دار بوده و این سؤالات تبیین‌کننده مناسبی برای متغیر مورد نظر هستند. در حالت تخمین استاندارد بارهای عاملی نشان داده می‌شود، هر چه بار عاملی بزرگتر و به عدد یک نزدیکتر باشد، یعنی متغیر مشاهده

جدول ۲. شاخص‌های مربوط به برازندگی مدل

متغیر	χ^2/df	RMSEA	GFI	RMR	IFI	CFI	NFI	NNFI
مدل تحقیق	۲/۷۲	۰/۰۷۳	۰/۹۲	۰/۰۵۵	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۹۲
سطح مناسب	< ۵	< ۰/۱	> ۰/۹	< ۰/۵	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹
نتیجه	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب

و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به وسیله معیار R2 در نظر می‌گیرد.

هر چه مقدار R2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. چاین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط

جدول ۳. ضریب تعیین

متغیر وابسته	R ²	شدت
ساخت دهی تجربیات یادگیری	۰/۲۸۲	متوسط
پیشرفت در گام‌هایی کوتاه اما با آهنگی سریع	۰/۲۳۸	متوسط
ارائه بازخورد و تصحیح خطاها	۰/۱۸۴	ضعیف
میانگین	۰/۲۳۴	متوسط

۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را برای نشان دادن قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن تعریف کرده‌اند.

معیار کیفیت پیش‌بینی کنندگی قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار

جدول ۴. کیفیت پیش‌بینی کنندگی (Q2)

متغیر وابسته	Q2	شدت
ساخت دهی تجربیات یادگیری	۰/۴۵۴	قوی
پیشرفت در گام‌هایی کوتاه اما با آهنگی سریع	۰/۳۸۱	قوی
ارائه بازخورد و تصحیح خطاها	۰/۳۳	قوی
میانگین	۰/۳۸۳	قوی

آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۱ نشان داد مؤلفه‌ها اختلاف معناداری با عدد ۳ دارد. میانگین آن‌ها کمتر از ۳ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین میانگین بیشتر از حد متوسط است و در نتیجه وضعیت موجود مؤلفه‌های مذکور در حد مطلوب می‌باشد. همچنین بیشترین میانگین ۲/۷۳ مربوط به شاخص شماره دوم پرسشنامه و کمترین میانگین ۱/۶۱ به شاخص شماره ۱۹ پرسشنامه تعلق دارد و بیشترین میانگین ۳/۷۱ مربوط به به‌کارگیری الگوهای تدریس و کمترین میانگین ۲/۲۱ مربوط به مؤلفه بیان کوتاهی از اهداف هر درس تعلق دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش لیلیدال و راپ (۲۰۱۹) و کریمی و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد. لیلیدال و راپ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «وضعیت آموزش زیبایی‌شناختی در برنامه درسی متمرکز اصلاح‌شده: ارزیابی مبتنی بر نظریه و محتوا در مورد اصلاح برنامه درسی کشور سوئد» نشان دادند، درحالی‌که مدرسان به‌طور کلی دوره‌های زیبایی‌شناسی را برگزار کرده‌اند، دانش‌آموزان به‌ندرت این نوع محتوای آموزشی را انتخاب

با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این معیار معرفی شده‌است.

$$GOF = \sqrt{Communality \times R^2} = \sqrt{0.234 \times 0.383} = 0.29$$

با توجه به نتایج فوق می‌توان گفت که مدل برازش متوسطی دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارائه مدلی برای پرورش زیباشناختی در مقطع ابتدایی انجام شد. در سوال اول چگونگی وضع موجود زیباشناختی با توجه به شاخص‌ها در مقطع ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی وضعیت متغیرهای مورد مطالعه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد. در سطح ۰/۰۵ معنی‌داری نتایج حاصل از

از ریتم و موسیقی، زبان بدن، تحریک قوه تخیل دانش‌آموزان، توجه به حوزه عاطفی، استفاده از رنگ و شکل تصویر و تلفیق هنر و تدریس) معرفی نمودند. همچنین دریافته‌اند که هر اندازه عناصر و مؤلفه‌های تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی (عناصر بصری، رنگ، موسیقی، تخیل و تصورات دانش‌آموزان، هنر، عواطف دانش‌آموزان، محیط یادگیری شاد، خلاقیت و احساس لذت از یادگیری) در فرایند تدریس تلفیق گردند و معلم تلاش نماید تا اهداف حوزه شناختی را به‌واسطه توجه و برجسته کردن حوزه عاطفی دانش‌آموزان مورد توجه قرار دهد، به همان نسبت نگرش دانش‌آموزان به مدرسه و مؤلفه‌های موجود در آن بهبود پیدا می‌کند.

سؤال چهارم پژوهش مربوط به سازوکارهای اجرایی برای مقطع ابتدایی می‌باشد. جهت تبیین سازوکارهای اجرایی برای مقطع ابتدایی از تحلیل آماره t و میانگین وزنی پاسخ‌دهندگان به سؤالات (شاخص‌ها) استفاده گردید. نتایج سازوکارهای اجرایی برای مقطع ابتدایی براساس خروجی تحلیل و با توجه به میانگین نظری پاسخ‌دهندگان در شاخص‌های پژوهش و همچنین آزمون t انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که ۱۱ شاخص بر اساس میانگین نظرات به‌عنوان سازوکارهای اجرایی می‌تواند قرار گیرد که شامل شاخص‌های: بیان انتظارات مناسب با میانگین $3/9073$ ؛ ارائه توضیحات فراوان همراه با ذکر جزئیات با میانگین $3/3140$ ؛ طرح سؤالات فراوان و تمرین فعال و آشکار با میانگین $3/4568$ ؛ هدایت جریان امور کلاس بدون اتلاف وقت با میانگین $3/5549$ ؛ پس زمینه‌های نگرشی و اهداف و کاربردهایش از هنر با میانگین $3/3384$ ؛ اصول و قواعد سبک‌ها و جلب توجه شاگردان به وظایف و تکالیف با میانگین $3/2622$ ؛ جلب توجه دانش‌آموزان به تکالیف مدرسه با میانگین $3/0457$ ؛ به کارگیری رفتارهای روشن در توضیح مطالب و هنر، پدیدارشناسی با میانگین $3/6768$ ؛ اصول تثبیت شده یادگیری با میانگین $3/6189$ ؛ اجرای نظرات مداوم با میانگین $3/3476$ و به راه آوردن شاگردان اخلاک‌گر با میانگین $3/3476$ که همگی بالاتر از عدد ۳ می‌باشد و آماره آزمون مثبت و سطح معناداری کمتر از $0/05$ بنابراین میانگین کلیه شاخص‌ها بیشتر از حد متوسط است و مورد تأیید قرار می‌گیرد و ۱۰ شاخص با توجه به پایین بودن میانگین نظرات به‌عنوان سازوکار مهم تلقی نمی‌گردند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش متقی و نوروزی (۲۰) و طهماسب زاده شیخ‌لار (۲۳) مطابقت دارد. متقی و نوروزی (۲۰) در پژوهش خود نشان دادند که توجه به کنترل‌گرایی در شناخت در اندیشه علامه جعفری، پایه‌گذاری خروج نظام تعلیم و تربیت از باریک‌اندیشی شناختی شده و توجه را به‌نوعی خاصی از سواد یعنی سواد زیبایی‌شناختی رهنمون کرده‌است، همچنین نگرانی امر آموزش در ایجاد رغبت و تسهیل آموزشی اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت را برطرف می‌کند. طهماسب زاده شیخ‌لار (۲۳) یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد با توجه به اینکه بعد عاطفی فراگیران در برنامه درسی کمتر مورد توجه بوده و معلمان مورد مصاحبه با احساس این مسئله، به‌طور سنت‌شکنان از حاکمیت یک‌جانبه رویکرد شناختی عدول کرده و رویکرد زیبایی‌شناختی را انتخاب کرده بودند. از سوی دیگر با عنایت به عدم تفکیک‌پذیری شناخت از عاطفه، برنامه درسی با رویکرد زیبایی‌شناسی می‌تواند به‌عنوان مکمل برنامه درسی فعلی که با رویکرد شناختی طراحی شده است باشد. بنابراین ضروری است تغییراتی در طراحی

می‌کنند. در عوض، انتخاب دانش‌آموزان با روش‌های غیرمستقیم به کارگیری صورت می‌گیرد. کریمی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی و فهم درک زیبایی‌شناختی کودکان پیش‌دستانی از تصویرهای کتاب‌های تصویری داستانی» تلاش کردند تا مقوله زیبایی‌شناختی را هم در سن کودکی و هم در حوزه تجربه کودکی، مورد بررسی قرار دهند. آنچه در این پژوهش مدنظر بود، درک زیبایی‌شناختی کودکان از تصویرهایی بود که توسط تصویرگران کتاب‌های کودک تولید شده است. نتایج نشان داد که چگونگی‌هایی مانند رنگ، عاطفه، عمل، اندازه، بافت، پس‌زمینه‌ی آن موضوع که با ترتیب خاص، آن‌ها را انتخاب می‌کنند.

سؤال دوم پژوهش که به بررسی اینکه چه مدلی برای پرورش زیبایی‌شناختی در مقطع ابتدایی می‌توان ارائه نمود، پرداخت. در حالت معنی‌داری باید ارزش t بیشتر از مقدار $1/96$ باشد. از این رو با توجه به جدول ۲ می‌توان گفت رابطه بین هر سؤال و متغیر مورد نظر معنی‌دار می‌باشد. بار عاملی همه سؤالات نیز بیشتر از مقدار $0/4$ بوده است. بنابراین سؤالات تبیین‌کننده مناسبی برای متغیر مورد نظر دارا می‌باشد. نتایج شاخص‌های برازش مؤید تأیید مدل در سطح اطمینان ۹۰ درصد بود که برازش مناسب مدل را تأیید می‌نماید. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نوربخش و خیرآبادی (۱۹) مطابقت دارد. آنها در پژوهش خود دریافته‌اند که نتیجه کمبود توجه به ساحت زیبایی‌شناختی و هنر در این کتاب‌های درسی به‌عنوان نیروی تحریک‌کننده خلاقه آدمی علی‌رغم تأکید فراوان در اسناد بالادستی بود. نتایج حاصله نشان‌دهنده فاصله معنادار کتاب تحلیل‌شده با ارزش‌ها و آرمان‌های ساحت هنری ذکر شده در سند تحول بنیادین بود که نیازمند تغییر رویکرد برنامه درسی و توجه حداکثری به این ساحت ارزشمند است.

سؤال سوم پژوهش به بررسی چگونگی درجه تناسب مدل از نظر کارشناسان، صاحب‌نظران و متخصصان می‌پردازد. نتایج حاصل از این سؤال معیار R^2 می‌باشد که میزان تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا را مشخص می‌کند. جدول ۳ نشان داد R^2 مربوط به مؤلفه ساخت‌دهی تجربیات یادگیری شدت متوسط و مؤلفه پیشرفت در گام‌هایی کوتاه اما با آهنگی سریع شدت متوسط و مؤلفه ارائه بازخورد و تصحیح خطاها شدت ضعیف می‌باشد و برای پیش‌بینی کنندگی مدل پژوهش از معیار کیفیت پیش‌بینی کنندگی (Q^2) که قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد استفاده شد. در جدول ۴ مؤلفه ساخت‌دهی تجربیات یادگیری قدرت پیش‌بینی قوی و مؤلفه پیشرفت در گام‌هایی کوتاه اما با آهنگی سریع نشان از قدرت پیش‌بینی قوی و مؤلفه ارائه بازخورد و تصحیح خطاها قدرت پیش‌بینی قوی را در این سازه می‌باشد. همچنین میانگین Q^2 برای این سه سازه از قدرت پیش‌بینی قوی برخوردار بوده است. برای برازش کلی مدل از آزمون (GOF) که با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش عدد بدست آمده برابر با $0/29$ می‌باشد که می‌توان گفت، مدل از برازش متوسطی برخوردار می‌باشد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش اسدیان و عزیزی (۱۳) مطابقت دارد؛ آنها به تبیین تأثیر تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه پرداختند. آن‌ها روش تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی، را شامل (استفاده از ادراک چند حسی، استفاده

7. Eisner, E. W. (1983). The Kind of Schools We Need. *Educational Leadership*, 41(2), 48-55
8. Sharifzadeh, Hakimeh Al Sadat; Baezt, Ferishte and Jalalian Rad, Hamida (2015). The effect of teaching method based on aesthetics on the academic progress of fifth grade students in science course. *New educational ideas*. 12 (3). 183-200.
9. Elias, John L. (2015). *Philosophy of education (ancient and contemporary)*. Translated by Abdul Reza Zarrabi. Publisher: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA).
10. Chapman, L. (1969). Recent trends and problems in art education *Encyclopedia of Education*.
11. Saberi, Reza et al. (2014). Designing the art curriculum template for general education (primary and first secondary). *Curriculum studies*. 10 (39). 154-133.
12. Denac, O. (2014). The significance and role of aesthetic education in schooling. *Creative Education*, 5(19), 1714.
13. Asadian, Cyrus. and Qadir Azizi (2017). Teaching based on aesthetics: an approach to improve students' attitude towards school. *Educational innovations*. 17(2). 73-96.
14. Gee, C. B. (2004). Spirit, mind, and body: Arts education the redeemer. In *Handbook of research and policy in art education* (pp. 123-142). Routledge.
15. Javidi Kalate Jafarabadi, Tahereh and Abdoli, Afsana (2016). Aesthetics and art from the point of view of Maxine Green and its educational references. *New educational approaches*. 12(2). 21-45.
16. Lilliedahl, J., & Rapp, S. (2019). The status of aesthetic education in a revised centralized curriculum: a theory-based and content-oriented evaluation of the Swedish curriculum reform Gy11. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy*, 5(1), 43-53
17. Kiyashnhenko, Î. A., Plakhova, E. A., & Rakhimova, M. A. (2015). Aesthetic Component in the Formation of Lexical

برنامه درسی به‌ویژه عنصر اصلی برنامه درسی مطابق با یافته‌های پژوهش صورت گیرد تا آن توازن و انسجام لازم در برنامه درسی برقرار گردد.

با توجه به پژوهش حاضر به مدیران و معلمان در آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود که رویکرد زیبایی شناختی را در برنامه درسی اتخاذ کنند که پیامدهای زیادی دارد. این پیامدها عبارتند از ارتقای سطح دانش، نگرش و مهارت معلمان فعلی نظام آموزشی در خصوص اهمیت توجه به مؤلفه‌های عاطفی و زیبایی‌شناسی در فرایند تدریس به‌ویژه تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی به‌واسطه برگزاری کارگاه‌ها، همایش‌ها و سمینارهای آموزشی. همچنین هدف در رویکرد زیبایی‌شناسی به برنامه درسی، توجه به تفاوت‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌های فردی فراگیران و حیطه‌های مختلف یادگیری، ایجاد یک جو صمیمی، اعتماد متقابل و تقویت اعتماد به نفس فراگیران، ایجاد یک فضای پراز شور و نشاط و هیجان برای فراگیران جهت علاقمندسازی آنان نسبت به مدرسه و کلاس درس، توجه به علائق، خواسته‌ها و انتخاب فراگیران، ایجاد انگیزه در فراگیران و از بین بردن رخوت و بی‌انگیزگی در آنان، کمک به فهم دیگران به‌عنوان انسان، تقویت یادگیری عمیق و پایدار، حرکت از سوی نتیجه محوری به فرایند محوری است. از این رو تقویت این عوامل بسیار مهم می‌باشد.

References

1. Mehraban, Javad (2018). The effect of music education on students' psychological well-being. *Education Management and Perspectives*, 1(2), 1-13.
2. Greene, M. (1981). Aesthetic literacy in general education. *Philosophy and education*, 80th Yearbook of the National Society for the Study of Education, 115-141.
3. Ghaffari, Khalil; Kazempour, Ismail and Oghani Hamdani, Maryam (2016). The effect of discipline-oriented art education curriculum on the artistic education of primary school students. *Research in curriculum planning*. 14 (52). 98-110.
4. Azizi, Jila (2012). The works and results of artistic education. *The growth of art education*. (3). 48-46.
5. Amadio, M., Truong, N., & Tschurenev, J. (2006). Instructional time and the place of aesthetic education in school curricula at the beginning of the twenty-first century.
6. Safavi, Amanullah (2013). *Teaching principles, methods and techniques*. 15th edition Tehran: Contemporary.

- Area" Art" in English Language Classes. *Journal of Sustainable Development*, 8(5), 191.
18. Stanford, L. O. (1990). Art and the Elementary-School Experience. *Elementary Subjects Center Series No. 21*.
19. Nourbakhsh, Javad and Khairabadi, Mohammadnabi (2018). Studying the artistic and aesthetic aspects of the third elementary mathematics book. *Survey in basic science education*. 5(15). 47-39.
20. Motaghi, Zohra et al. (2017). Investigating the epistemological foundations of transcendental wisdom and extracting its functions in aesthetic education (field of learning culture and art). *Practical issues of Islamic education*. 3(6). 148-121.
21. Unluer, E., & Zembat, R. (2019). Examining the Effects of Aesthetic Education Program on Aesthetic Judgment Development of Five-Year-Old Children. *Asian Journal of Education and Training*, 5(1), 44-49.
22. Valeeva, R. A., Karkina, S. V., & Starcic, A. I. (2018, October). Distance Learning for Aesthetic Education-Informed Professional Development and Life-Long Learning of Student Teachers. In *Proceedings of the Sixth International Conference on Technological Ecosystems for Enhancing Multiculturality* (pp. 597-603). ACM.
23. Tahmasabzadeh Sheikhlari, Daud (2013). A conceptual model of the curriculum based on the aesthetic approach. Doctoral thesis in the field of curriculum planning. Shahid Beheshti University.